

نسیه و نقد

مجموعه نقدهای سینمایی خسرو دهقان

چمن حکایت اردیبهشت می گوید
نه عارف است که نسیه خرید و نقد بهشت
حافظ

سرشناسه: دهقان، خسرو، ۱۳۲۶
عنوان و نام پدیدآور: نسیه و نقد: مجموعه نقدهای سینمایی خسرو دهقان / مولف خسرو دهقان؛
ویرایش هما جاودانی.

مشخصات نشر: تهران: حرفه هنرمند، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۸۷ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۶۵-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: دهقان، خسرو، ۱۳۲۶ - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: سینما - نقد و تفسیر - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Motion pictures -- Reviews -- Addresses, essays, etc.

موضوع: سینما - نقد و تفسیر

موضوع: Motion pictures -- Reviews

موضوع: سینما - ایران - نقد و تفسیر

موضوع: Motion pictures -- Iran -- Reviews

موضوع: سینما - ایران - تهیه‌کنندگان و کارگردانان

موضوع: Motion picture producers and directors -- Iran

موضوع: سینما - تهیه‌کنندگان و کارگردانان

موضوع: Motion picture producers and directors

رده بندی کنگره: ۷۹۱.۴۳۰.۰۶

PN۱۹۸۸/۳۵۸۶۵

رده بندی یوبی: ۷۹۱.۴۳۰.۰۶

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۶۶۲۰



نسیه و نقد (مجموعه نقدهای سینمایی خسرو دهقان)

مؤلف: خسرو دهقان

ناشر: حرفه هنرمند

مشاور پروژه: پیام مستوفی

ویرایش: هما جاودانی

طراح جلد: گل کو حریری

مدیر اجرایی: نگین سادات ملیح

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف نگار

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه‌ی مکتوب از ناشر ممنوع است.

نشانی: تهران صندوق پستی ۱۴۴۴۷۳۴۴۶۱ تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۳۹۴۱۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۶۵-۵

www.nashr.herfeh_honarmand.com Email:nashr.tavakoli@gmail.com

فهرست

مقدمه : ۸

مقاله :

عصبی هستم اما انصاف ...؟ (در دسرهای تئوری مؤلف در سینمای ایران) ۱۲

در 'ره' فیلم ما :

- ۱) می - ماه رفته به اتم (عباس کیارستمی) ۲۶
- ۲) مسیر (امیر نادری) ۳۶
- ۳) مهندسی سینما (نقش رامنه در تاریخ سینمای ایران / واروژ کریم مسیحی) ۶۲
- ۴) میوه در عزا طعم ندارد (مهرداد کیمیایی) ۷۸
- ۵) منجی سینما (جیمز کامرون) ۱۰۴
- ۶) پیش نیاز (ناصر تقوایی) ۱۱۶
- ۷) کوه یخی که دیده نمی شود (کامران شیردلی) ۱۲۶

نقد فیلم ایرانی :

- ۱) وزن تدوین (خاک) ۱۳۰
- ۲) اسطوره‌ی امیر نادری، فراتر از دونده (دونده) ۱۴۴
- ۳) نمایش یک موقعیت (مادیان) ۱۵۰
- ۴) نیاز چند نقطه... (نیاز) ۱۵۸
- ۵) قناعت (هور در آتش) ۱۶۲
- ۶) راه ناهموار (خاکستر سبز) ۱۷۲

- ۱۷۸ (۷) دست‌هایش (رگبار)
- ۱۸۴ (۸) کوه و (آرامش در حضور دیگران)
- ۱۸۸ (۹) فیلم در زندگی، زندگی در فیلم (بوی کافور، عطر یاس)
- ۱۹۴ (۱۰) توبه نامه (بیر نور ماه)
- ۲۰۰ (۱۱) پس‌زمینه (سگ شمشیر)
- ۲۰۸ (۱۲) نقطه‌ی عطف (در سرور آبی)
- ۲۱۴ (۱۳) درد و درمان (حاجی واشنگتن)
- ۲۲۰ (۱۴) پرداخت صورتحساب (لیلا)

نقد فیلم خارجی:

- ۲۲۸ (۱) مرور کوتاه (بهترین سال‌های لورل و هاردی)
- ۲۳۲ (۳) نمایش حرمت آدمیزاد (جلاده‌ها نیز می‌میرند)
- ۲۴۲ (۳) خدا را شکر ما تماشاگرانیم (پنجره رو به حیاط)
- ۲۴۶ (۴) معصومیت (پرندگان)
- ۲۵۲ (۵) سیاه ۴۸ (جیب‌بر خیابان جنوب)
- ۲۵۸ (۶) آخرین فیلم (توت‌فرنگی‌های وحشی)
- ۲۶۲ (۷) دفتر یادداشت ویکتور مک لاگن (مرد آرام)
- ۲۶۸ (۸) سفر به جهان روزمرگی (جولیتای ارواح)
- ۲۷۲ (۹) در جستجوی او (۲۰۰۱: یک اودیسه فضایی)
- ۲۸۲ (۱۰) زندگی کوتاه (زیستن)

چهل و هشت سال پیش در یک خانواده‌ی متوسط تهرانی به دنیا آمدم و بی هیچ تجربه‌ی نزدیک و مستقیمی با دنیای هنر، در کنار برادر و دو خواهرم کودکی آرام و خوشی را گذراندم. چهارده پانزده ساله بودم که به واسطه‌ی ظهور فراگیر ویدئو سونی تی سون در خانه‌های دهه‌ی ۶۰، مبتلا به سینما شدم.

عشق سیری‌ناپذیری به دیدن فیلم و رد بازیگران (و بعدها فیلم‌سازان) را زدن و خواندن هر اشاره و مطلبی لابه‌لای مختصر کتاب و مجله‌ای که به دستم رسید، آرام‌آرام رزمینه‌ساز نگرانی اهل خانه شد. از آن پس هر نشانه‌ی سینمایی‌ای که در گوشه و کنار خانه پدید می‌شد (مشخصاً مجله‌ی «فیلم»)، نمکی بود بر زخم باز دل‌واپسی‌هایشان.

سال ۶۶ دبیرستان را که تمام کردم، با دیدن تبلیغی در همین مجله‌ی «فیلم»، در اولین (و شاید تنها) کلاس سینمایی آن سال‌های برهوت، اسم‌نویسی کردم. کلاس آزاد فیلم‌سازی (به گمانم «میان») جایش در خیابان وزرا بود و مدیریتش با «داریوش آشوری» تدوین‌گر فعال و نام‌آشنا سال‌ها. در این آموزشگاه دو طبقه که اغلب گرایش‌های فنی و نظری سینما در آن تدریس می‌شد، آقای «خسرو دهقان» مدرس نقد و تحلیل فیلم بود. منتقد ناسالانی که اظهار نظرهای صریح، کوتاه و خلاف عرفاش، هنرجوهای بسیاری را در آن‌جا درگیر به بعدتر که آموزشگاه به تقاطع لاله‌زار و انقلاب منتقل شد. با کنجکاوی پای کلاس‌ها و حرف‌هایشان نشاند.

دوستانی که بعدها خیلی‌هایشان به طور جدی فعالیت هنری و سینمایی‌شان را ادامه دادند: فتاح محمدی (مترجم و ناشر)، مهشید زمانی (منتقد فیلم)، سیدرضا منتظری (مترجم سینمایی)، فربرز عرب‌نیا (بازیگر)، حمید نعمت‌الله، سامان مقدم، اسماعیل میهن‌دوست، صابره محمد کاشی (فیلم‌ساز) و ...

من اما خیلی زود، بنا به ضرورت شرایط پیش آمده و قبولی در رشته‌ی عکاسی دانشگاه هنر، به تدریج از آن کلاس‌ها و از سینما فاصله گرفتم و در مسیر

آموزش‌های تاثیرگذار یحیی دهقان‌پور، تورج حمیدیان، کاوه گلستان و ... ترم به ترم بیشتر به درون دنیای عکاسی و هنرهای تجسمی کشیده شدم.

در غیاب آن جلسات نقد فیلم و بهانه‌ی دیدارهای هفتگی، رابطه‌ام با آقای دهقان رفته رفته شکل کم‌رنگ و دورادوری به خود می‌گرفت و به حد چند سلام و علیک رسمی در صف‌های سینما و جشنواره‌ها و سخنرانی‌ها تقلیل می‌یافت. و این گونه شد که آرام آرام بی‌آن‌که بدانم، یا در لحظه متوجهش باشم، توانستم از زیر بار سنگین کاریزمای نیش و نوش‌دار ایشان برهم.

اما عطر فراموش نشدنی آموزه‌های خسرو دهقان همیشه با من ماند و بسترساز نگاهم به آثار هنری شد. چه در سال‌های دانشجویی و چه در سال‌های تدریس و مجله‌داری.

انتشار «حراه: هنرمندان را سال ۸۱ با دو سه دوست تازه فارغ‌التحصیل شده‌ی دیگر (ایمان افسریان، برداسی نژاد، فرشید آذرنگ و فریدون غفاری)، با حداقل امکانات مالی و حداکثر انرژی، ارزش آغاز کردیم. فصلنامه‌ای با تمرکز بر هنرهای تجسمی که ستون‌های نامرئی‌اش به نگاه کردن به پدیده‌ها از «فاصله» و سراغ گرفتن از هنرمندان مهجور و پرکار، ذوق‌زد نشدن از «تازه‌ها» و «سلبریتی‌ها» و بها دادن به پله‌های اول، استوار کردیم. «حراه» تماشای کامل‌تر چیزها و سهمیم کردن دیگران در توجه به آدم‌هایی که دوست‌شان داریم و دعوت به ارزیابی دیگران کارنامه‌شان. در مورد سال‌هایی صحبت می‌کنیم که اینترنت هنوز فراگیر نبود و این همه اطلاعات و امکان در دسترس نبود و جمع‌آوری هر چه بیشتر چیزها کنار یکدیگر، هم از سر ضرورت بود و هم از سر اشتیاق. اشتیاقی برآمده از سال‌های کودکی.

من هم مثل بسیاری از پسر بچه‌ها از سن کودکی و نوجوانی علاقه به کلکسیون‌داری و جمع‌آوری چیزها داشتم. تمبر و کبریت و پاک‌کن و عکس و ... گرایشی که جز میل شیرین مالکیت، به لذت جمع‌آوری چیزهای دلپذیر اشاره

داشت که دوست داشتی همیشه نزد و نزدیک خود نگه‌شان داری و از تماشای آن‌ها و پس و پیش کردن‌شان و آرایش هزارباره‌شان با تناسبات جدید، انرژی‌گیری و شاداب شوی. تمایل درونی شده‌ای که به اقتضای رشد و تغییر ذائقه، هر بار شکلی نو با موضوعیتی جدید پیدا می‌کرد و می‌کند. هنوز هم.

کتابی که در دست دارید، در سطحی عمومی، در چارچوب «مجموعه یادداشت‌های نویسندگان» «حرفه: هنرمند» جا می‌گیرد. پروژه‌ای که به تازگی شروع کرده‌ایم و تلاشی است جهت جمع‌آوری و کنار هم آوردن و بازخوانی یادداشت‌های گذشته‌ی آدم‌هایی که قلم‌شان و بیشتر خودشان را دوست داریم. در این ۱۵ سال انتشار مجله کتاب، ترجیح نخستین‌مان در هر انتخابی، دلبستگی به موضوع مورد بحث به آن منبر، مورد اشاره، و به هنرمند منتخب‌مان بوده. جز چند مورد استثنا هیچ وقت هیچ چیز را منتشر نکرده‌ایم که پیش از آن که شما بخوانیدش، خود از آن لذت نبرد، یا به

و گویا این، آخرین محرک بقای ما درون چرخه‌ی کاهل نشر و فرهنگ و هنر است که اصرار به تداوم آن، دارد روز به روز به جنون شبیه‌تر می‌شود!

کتاب «نسیه و نقد» (که عنوان آن نیز تلویحاً اشاره به اشتغال حرفه‌ای مولفش دارد) جدا از فراهم آوردن امکانی برای نگاه کردن یک‌جا و کامل‌تر به کارنامه‌ی قلمی خسرو دهقان (که بر اساس توالی زمان انتشار تنظیم شده)، در سطحی شخصی‌تر برای من زنده کننده‌ی خاطرات عمر است. حامی جمع علاقه‌ی کودکانه‌ام به کلکسیون کردن و تماشای عشق دیرینم به سینما، موزه‌ی سرچشمه‌ی اولین کلاس‌های نقد فیلم خسرو دهقان و نیز احترام به رابطه‌ی کم و بیش خاموش شده‌ی استاد شاگردی‌ای است که سال‌ها پیش هر دو نیمه خاموش اجاقش را رها کرده بودیم روی شمعک، برای روزی روزگاری... به امید روشن کردن دوباره‌اش به پشتوانه‌ی رفاقتی ۳۰ ساله.

شهریار توکلی، ۱۳۹۶